



جایگاه حقوق، فقه و اخلاق در پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی

اسماعیل آقابابائی بنی^{۱*}

چکیده

گذشته از سرقت علمی که در ناصواب بودن آن از نظر فقهی، حقوقی و اخلاقی تردیدی نیست، امتیازهایی که تولید علم در بر دارد، برخی زحمات علمی خود را در مقابل دستمزد، در اختیار دیگران قرار می دهند تا به نام آنان منتشر شود. این پدیده، در عمل مدعیانی را پرورش می دهد که به رغم بی بهره بودن از علم، خود را در جایگاه عالمان قرار داده و علاوه بر سوء استفاده از نقص قوانین و رعایت صوری قانون، موجبات به حاشیه رفتن صاحبان دانش را فراهم می آورند. این نوشته با این سوال که حقوق، فقه و اخلاق چه نقشی در بازیابی جایگاه علمی کشور دارند، به این نتیجه دست می یابد که تشویق به تولید علم بدون در نظر گرفتن زمینه های آن، امکان سوء استفاده از قانون در حوزه پژوهش را دامن زده است و راهکارهای موجود، بدون فرهنگ سازی و بهره گیری از اخلاق، توان پاسخ گویی و پیشگیری از ترویج این پدیده را ندارد.

کلید واژه ها: سرقت علمی، حق معنوی، مالکیت فکری، اخلاق پژوهش، تولید علم

مقدمه

با تصویب قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان به تاریخ ۱۱/۱۰/۱۳۴۸ اولین قدمها به لحاظ قانونی در کشور برداشته شد. دست آوردهای مهم این قانون عبارت بود از:

۱- حق معنوی را برای پدید آورنده به رسمیت شناخت (ماده ۱).
۲- در مواردی که استفاده از اثر به صورت غیر انتفاعی است مثل استفاده از تصویر کتاب در کتابخانهها (ماده ۸)، استفاده شخصی (ماده ۱۱) و در جزوات درسی (تبصره ماده ۷)، این حق نادیده گرفته شد.

۳- برای رعایت حق جامعه، این حق تا سی سال از تاریخ مرگ آخرین پدیدآور مورد حمایت قانون قرار گرفت (ماده ۱۲).

به بیان روشن تر، سیاست قانون گذار حمایت از حقوق مادی پدید آورنده بود و به همین دلیل تعقیب دعوا و گذشت از آن را به ذی نفع واگذار کرده بود با این حال در جایی که انتفاع مادی از اثر در میان نبود، از عکس برداری و مانند آن سخن می گفت و به نوعی حق انتفاع مولف را در این موارد نادیده می گرفت.

بعد انقلاب و گرایش به آرای فقهی در قانون نویسی و اجرای قانون، این حق کم رنگ شد و گاه به فتاویایی استناد شد که حق نشر را به رسمیت نمی شناختند.

به طور کلی در فقه برخی فتاوا حاکی از بی توجهی به مالکیت معنوی است مانند آن که راجع به ثبت اختراع آمده است: «انحصار حق، شرعی نیست»^۱ یا در جایی که عکاس از کپی تصویری که خود پدید آورده و رضایت به تکثیر آن ندارد، از بی اشکال بودن تهیه کپی سخن گفته اند^۲ با این حال به عنوان حکم ثانوی آورده اند: «چنانچه مقرراتی از طرف دولت اسلامی باشد مراعات آن لازم است»^۳. می توان گفت در آرای فقهی مذکور هم از بعد مالی و هم از انتساب اثر پدید آمده به فرد دیگر غفلت شده است در حالی که قاعده فقهی لاضرر از اضرار به غیر نفی می کند و گذشته از آن، تولید فکر ارزش و حقی است که دلیلی بر جواز سلب آن از صاحب حق در دست نیست. به همین دلیل در مدت کوتاه شاهد تغییر در آرای فقهی بودیم و به صراحت برخی با توجه به عرف از لزوم حمایت از مالکیت معنوی سخن گفتند و کپی برداری از کتاب برای استفاده شخصی بدون اجازه مالک را ممنوع به شمار آوردند^۴ و بر این نکته تصریح کردند که در این مسئله حتی بین مسلمان و غیر مسلمان تا جایی که مصداق

۱- روح الله موسوی خمینی، استفتاءات، ج ۳، ص: ۵۵۴

۲- همان

۳- همان

۴. برای نمونه ر.ک: حسینعلی منتظری، رساله استفتاءات، ج ۳، ص ۴۰۴، سؤال ۳۸۴۵.

محارب نباشد، تفاوتی نیست.^۱ توجه به بنای عقلا و نبود ردع شارع از این دست مالکیت، مستند عمده برای حمایت از مالکیت معنوی در تطورات حاصل در آرای فقهاست.^۲ در واقع، چنان که برخی از فقها اشاره کرده‌اند، برگشت فقه به سمت احترام به حق معنوی و همسویی آن با عرف و قانون به نوعی تاثیر پذیری فقه از زمان و مکان است.^۳ بر این اساس می‌توان گفت امروزه هم به لحاظ قانونی و هم شرعی حق مالکیت فکری به رسمیت شناخته شده است و علاوه بر فقه و قانون از نظر اخلاقی نیز تردیدی در مذموم بودن نادیده گرفتن حق مالکیت معنوی نیست و این موضوع که خود مصادیق متعددی را در بر می‌گیرد^۴ نوشته‌های قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. با این حال، برخی مصادیق دیگر وجود دارد که جایگاه علمی کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد ولی با ضرر مالی نویسنده همراه نیست تا بتوان در حمایت از نویسنده مورد حمایت قانون قرار داد که مصداق بارز آن را در تهیه آثار علمی برای دیگران می‌توان دید.

در این خصوص «قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» سعی کرده است این پدیده را که از نظر اخلاقی مذموم است و آرای فقهی نیز از آن حمایت نمی‌کند، با بهره‌گیری از حقوق کیفری محدود یا ریشه کن سازد با این حال نقص‌های موجود در قانون، کم توجهی در فقه به مسئله موجود در کنار ترویج نشدن اخلاق پژوهش در جامعه، کارآمدی قانون را زیر سوال برده است که این نوشته در صدد است این مسئله را از ابعاد فقهی، حقوقی و اخلاقی به بحث گذارد و برای رعایت اختصار، از بحث سرقت‌های علمی، مصادیق آن و سایر بداخلاقی‌هایی که در حوزه پژوهش مطرح است صرف نظر می‌کند.

الف - جایگاه و موانع تولید علم

تاسیس دانشگاه‌های متعدد و تشویق دانشجویان به تحصیل و ارتقای علمی کشور، بعد انقلاب مورد توجه جدی قرار گرفته و فارغ التحصیلان دانشگاه در مقایسه با قبل انقلاب به خصوص در مقاطع دکتری آمار بسیار بالایی را نشان می‌دهد و حتی به لحاظ تعداد دانشجویان در مقایسه با جمعیت کشور، آمارهای قابل توجهی در دست است و باور عمومی بر آن است

۱. همان، سؤال ۳۸۴۶.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: منتظری، همان، سوال‌های ۳۸۴۶ به بعد.

۳. جعفر سبحانی، «نقش زمان و مکان در استنباط»، فقه اهل بیت علیهم السلام، شماره ۴۳، ص ۹۵.

۴. برای اطلاع از انواع دزدی‌های ادبی ر.ک: هاجر ستوده و دیگران، «نگاهی به دستبرد علمی و راهکارهای پیشگیری و پیگیری آن»، کتابداری و اطلاع رسانی، ج ۱۳ شماره ۴، ص ۳۳ و سهیلا داروینیان و مهدی فقیهی، بررسی انگیزه‌ها و علل انجام سرقت علمی در ایران، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰ ص ۱۴۸ و برای مطالعه راجع به آمارهای دستبرد علمی که روز به روز در حال افزایش است ر.ک: هاجر ستوده و دیگران، همان، ص ۳۷.

که ارتقای علمی کشور، جایگاه بالایی را در جهان برای ما رقم خواهد زد با این حال سه عامل سرقت علمی از دیگران، بازنشر مطالب نویسنده با عناوین مختلف و واگذاری حقوق مادی و معنوی اثر به دیگری که اکثراً در قالب نوشتن پایان نامه و رساله دکتری برای دیگران نمود پیدا می‌کند از موانع عمده در دستیابی به جایگاه واقعی تولید علم است.

در این میان، بحث سرقت علمی و حمایت از حقوق مادی و معنوی پدید آور یا توجه به قانون «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» (مصوب ۱۱/۱۰/۱۳۴۸) به حد کافی مورد بحث حقوق دانان قرار گرفته است ولی بی اطلاعی یا کم اطلاعی افراد از تخلفات علمی، تحت فشار بودن دانشجو برای کسب نمره یا اتمام تحصیل در موعد مقرر، ضعف در مهارت‌های مطالعه، ناآشنا بودن با زبان بیگانه در حالی که در صدند در بخشی از مقاله را مثلاً از زبان انگلیسی استفاده کنند^۱ و شرایطی که برای گزینش و اعضای هیات علمی و سنجش افراد بر مبنای حجم کار علمی چاپ شده در نظر گرفته می‌شود ترویج پایان نامه نویسی برای دیگران و باز نشر آثار منتشر شده با عناوین دیگر را در جامعه رقم زده است؛ به خصوص، از زمان توسعه دانشگاه‌های غیر انتفاعی و تشویق افراد به دریافت مدرک با پرداخت هزینه، شاهد افزایش روز افزون آن هستیم.^۲

با یک جست و جوی ساده در اینترنت می‌توان به نویسندگانی دست یافت که مقاله آماده چاپ خود را در معرض فروش گذاشته و به تناسب این که خریدار نویسنده چندم باشد و در کدام مجله مقاله چاپ شود، مبالغ متفاوتی را پیشنهاد می‌دهند. گرچه در موارد اندک این رویکرد چیزی جز کلاهبرداری نیست و گاه مقله را در نشریه‌ای به ظاهر خارجی چاپ می‌کنند که یا وجود خارجی ندارد یا فاقد اعتبار علمی است، در مصادیق قابل توجهی، راهی برای کسب درآمد به شمار می‌رود و زمینه نشر اثر را به نام نویسنده‌ای پدید می‌آورد که به واقع هیچ نقشی در تولید اثر نداشته است! نوشتن پایان نامه و رساله دکتری و تبلیغ علمی آن در خیابان‌های کنار دانشگاه هم نمونه دیگر است. اصطلاحاً به نوشتن مطلب برای دیگران سایه نویسی (Ghostwrite) اطلاق می‌شود. حال باید دید پدیده مذکور از نظر فقهی و حقوقی چه حکمی دارد و از سوی دیگر، اخلاق پژوهش تا چه حد آن را تایید یا تقبیح می‌کند؟

۱. هاجر ستوده و دیگران، همان، ص ۳۴.

۲. برای مطالعه راجع به علل و انگیزه‌های سرقت علمی ر.ک: سهیلا داروئیان و مهدی فقیهی، بررسی انگیزه‌ها و علل انجام سرقت علمی در ایران، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰ ص ۱۵۰ به بعد.

ب - رویکرد حقوق در تولید علم

حقوق ایران در مبارزه با پدیده مقاله و رساله و پایان نامه نویسی برای دیگران و بازنشر آثار علمی با عناوین مختلف از جانب پدید آور از دو جهت ناموفق بود است: یکی اشکال‌های قانونی در حمایت از تولید علم و دیگری اشکال‌های مبنایی و حقوقی در پیگیری و مبارزه با سوء استفاده‌هایی که جایگاه علمی کشور را در معرض خطر جدی قرار داده است:

۱- اشکال‌های قانونی

«قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» (مصوب ۱۱/۱۰/۱۳۴۸) گرچه در حمایت از حقوق مادی و معنوی پدید آورندگان آثار علمی قدم‌های خوبی برداشته است و اجاز نداده دیگران با دستبرد علمی از حق معنوی پدیدآور بهره مادی ببرند، در مبارزه با پدیده مقاله و رساله و پایان نویسی برای دیگران، به شرح زیر ناموفق بوده است و شاید بتوان علت آن را زمان تدوین قانون دانست که پدیده مذکور به شکل امروزی فراگیر نبوده است:

۱- قانون گذار در ماده ۵ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۱/۱۰/۱۳۴۸) تصریح می‌کند: پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را به غیر واگذار کند. در این ماده گرچه راجع به واگذاری حق معنوی ساکت شده است ولی چنان که در علم حقوق بحث شده است حقوق معنوی سه خصیصه دارد: وابسته به شخصیت حقیقی است، غیر قابل انتقال است و دائمی است.^۱ از این رو به رغم ساکت بودن قانون، حق معنوی را باید در زمره حقوق غیر قابل واگذاری به شمار آورد و بر این اساس، نگارش تحقیق برای دیگران و به نام آنان با اسقاط حق معنوی نویسنده، با منطق حقوق هماهنگی ندارد.

نیز در ماده ۱۳ قانون یادشده از حمایت از آثار علمی پدید آمده با سفارش سخن به میان آمده است که بر اساس منطق حقوقی پیش گفته در این ماده هم تعلق حقوق به سفارش دهنده را باید در حق مادی خلاصه کرد و آن را به حقوق معنوی سرایت نداد. به بیان دیگر، حق معنوی گرچه به لحاظ حقوقی غیر قابل واگذاری است، سکوت قانون در این موضوع، موجب می‌شد پایان نامه و مقاله نویسی برای دیگران، مشمول ماده مذکور قرار نگیرد.

۱- سهیلا داروئیان و مهدی فقیهی، بررسی انگیزه‌ها و علل انجام سرقت علمی در ایران، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۴۴.

۲- طبق ماده ۲۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۱/۱۰/۱۳۴۸)، «حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجراء نشده باشد».

با این رویکرد، اثر قبل از نشر تحت حمایت قانون قرار نمی گرفت و با همین رویکرد، ایده‌ها به سرقت می‌رفت، مطالب گفته شده و نه چاپ شده به نام دیگران عرضه می‌گردید و در نهایت اصل پایان نامه و رساله تحت حمایت قانون قرار نمی گرفت. چرا که اجرا در ماده مذکور به آثار هنری ناظر بود و اطلاق چاپ و پخش و نشر بر پایان نامه و رساله ای که چاپ نشده مشکل بود.

نقص دیگری که در ماده مذکور وجود دارد، بی تفاوتی به ترجمه و استفاده ناصواب از آثار علمی است که برای نخستین بار در ایران چاپ نشده است.

۳- ماده ۱۸ قانون یادشده، رضایت نویسنده را مبنای حمایت یا عدم حمایت قرار داده است و عبارت «موافقت نویسنده با ترتیبی خلاف قانون»، امری بودن اراده قانون گذار در تهیه آثار علمی برای دیگران را دچار خدشه می‌سازد.

با توجه به نقایص قانون مذکور، در رویکرد اخیر چند راهکار به شرح زیر برای مبارزه با پایان نامه نویسی برای دیگران و بازنشر آثار با عناوین مختلف که از موانع جدی تولید علم است در نظر گرفته شد:

۱- دانشگاه‌ها و موسساتی که متولی تولید علم در کشورند، با تصویب آیین‌نامه‌های داخلی و در نظر گرفتن برخوردهای اداری مثل ابطال مدرک، کسر حقوق و... سعی کردند در صورت کشف و اثبات، با سوء استفاده کنندگان مبارزه کنند.

۲- دانشگاهیان و دلسوزان اقدامات فرهنگی و عملی را برای مبارزه با این پدیده آغاز کردند که شعار «استادان علیه تقلب رفته»^۱ یک نمونه است.

۳- مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی در ۹۶/۵/۳۱ قدم مهمی را در این خصوص برداشت.

بر اساس این ماده واحده: «تهیه، عرضه و یا واگذاری آثاری از قبیل رساله، پایان‌نامه، مقاله، طرح پژوهشی، کتاب، گزارش یا سایر آثار مکتوب و ضبط شده پژوهشی، علمی و یا هنری اعم از الکترونیک و غیرالکترونیک توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به قصد انتفاع و به عنوان حرفه یا شغل با هدف ارائه کل اثر و یا بخشی از آن توسط دیگری به عنوان اثر خود،

جرم محسوب شده و مرتکب‌دیا مرتکبان علاوه بر واریز وجوه دریافتی به خزانه دولت، مشمول مجازات به شرح زیر هستند....»

قانون اخیر گرچه در صدد رفع نواقص قانونی تهیه شده و به نوبه خود قدم مهمی در حمایت از تولید علم به شمار می‌رود اشکال اساسی آن عبارت است از این که با توجه به عبارت «قصد انتفاع و به عنوان حرفه یا شغل» در صورتی که فرد شغل خود را پایان نامه نویسی قرار ندهد و یا قصد انتفاع نداشته و دوستانه کاری را انجام دهد مشمول قانون فوق نمی‌گردد.

نیز در این که فرد می‌تولند مطلب خود را چند بار با یک عنوان یا عناوین مختلف چاپ کند گرچه با مخالفت‌هایی همراه است^۱ در مصوبه اخیر مجلس این مسئله جرم انگاری نشده است چنان که نشر آثاری که برای اولین بار در ایران چاپ نشده، هم چنان فاقد حمایت قانونی است و تقلب‌های از این دست را قانون گذار جرم انگاری نکرده است.^۲

۲- مشکلات پیگیری و رسیدگی

هم اکنون «قانون پیگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» به رغم نواقصی که دارد و به مواردی از آن اشاره شد، با در نظر گرفتن کیفر برای تهیه کنندگان آثار علمی برای دیگران و استفاده کنندگان از آن در صدد است با این پدیده مبارزه کیفری کند با این حال از چند جهت اجرای قانون مذکور با مشکلاتی همراه است:

۱- یکی از مشکلات موجود در تعقیب جرایم، جرایم فاقد قربانی است و اصطلاحاً به جرایمی اطلاق می‌شود که فرد زیان دیده در کنار فردی که زیان را وارد کرده است، هر دو از نظر قانون مجرم تلقی می‌شوند. نمونه آن جرم رشوه و رباست که هم رشوه دهنده و ربا دهنده مجرمند و هم فردی که رشوه یا ربا را دریافت کرده است. در این دست جرایم فرد متضرر چون مجرم تلقی می‌شود، حاضر به گزارش جرم نیست و فرد منتفع انگیزه ای برای اعلام جرم ندارد و از آن جا که این دست جرایم مخفیانه و دور از انظار ارتکاب می‌یابند تقریباً بدون گزارش افراد درگیر کشف آن با مشکل مواجه می‌شود.

۱. هاجر ستوده و دیگران، همان، ص ۳۴ به نقل از: آرونسون، ۲۰۰۷، ص. ۴۰۴.

۲. همین نقص در قانون موجب شده است استخراج مقاله از رساله و پایان نامه از نظر برخی قانونی قلمداد شده و در معرفی سایت خود بنویسند: «این مرکز هیچ گونه فعالیتی در زمینه خرید، فروش و نگارش پایان نامه ندارد و خدمات این مرکز کاملاً منطبق با قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و آیین نامه‌های وزارت علوم می‌باشند.»

همین مسئله در جایی که فردی با دریافت پول یا مجلنا یا به هر دلیل دیگر، تحقیقی را برای دیگری تهیه کرده و اجازه می‌دهد به نام دیگری منتشر شده و مزایای را برای وی به همراه آورد، مصداق پیدا می‌کند و اگر گفته شود پایان نامه و رساله نویسی برای دیگران جرم است، فرد خاطی حاضر به گزارش نمی‌شود و در نتیجه کشف جرم را با مشکل مواجه می‌کند.

۲- مشکل دیگر در تحمیل مسئولیت بر فرد استفاده کننده از خدمات پژوهشی دیگران، مسئول دانستن استاد راهنما در رساله و پایان نامه است که گاه از مصادیق بارز تحمیل مسئولیت کیفری بر غیر و خلاف اصل شخصی بودن مجازات‌ها به شمار می‌رود.

۳- راه حل میانه‌ای در برخی دانشگاه‌ها در نظر گرفته شده و آن اخذ تعهد از دانشجو مبنی بر اصالت پایان نامه و رساله است که نهایت ضمانت اجرای آن می‌تواند ابطال مدرک از ناحیه دانشگاه باشد. این راه حل هم در عمل با مشکلاتی مواجه است از جمله این که:

الف- وقتی در جلسه دفاع امکان کشف تقلب و سایه نویسی امکان ندارد، بعد از آن که عموماً پایان نامه‌ها به فراموشی سپرده می‌شوند، به راحتی به واقع نمی‌توان پی برد.

ب- تعداد زیاد پایان نامه، فرصت بررسی را از افراد دخیل سلب می‌کند و گاه از توان عادی افراد خارج است. به راستی جایی که دانشجو مطلبی را از دیگران نوشته و دیدن آدرس را به خود نسبت می‌دهد، چگونه می‌توان به واقع مطلب پی برد؟ آدرس سازی و ارجاعات غیر واقعی هم بر این دست مشکلات می‌افزاید.

۴- برای حل این معضل، نرم افزارها و سایت‌هایی هم در نظر گرفته شده که بخش قابل توجهی از آن در متون انگلیسی کاربرد دارد^۱ و مواردی چند هم مانند سامانه همانند جو و سامانه مشابه یاب سمیم نور به متون فارسی اختصاص یافته‌اند.^۲

از آن جا که اساس کار این دست سایت‌ها دسترسی کامل به متون انتشار یافته است، از یک سو بسیاری از ناشران و پدیدآورندگان حاضر نیستند مطالب خود را در اختیار این سایت‌ها قرار دهند و از سوی دیگر، به دلیل وجود تقلب در گذشته بخشی از این نوشته خود حاصل سایه نویسی است و سنجش سایه یا غیر سایه بودن متن بر اساس آن مشکل به نظر می‌رسد و ثالثاً، در جایی که به جای استفاده از عبارات از ایده‌ها و یافته‌ها استفاده شده باشد یا تقلب موزاییکی صورت گرفته باشد، بهره‌گیری از این سایت‌ها ناممکن می‌گردد.

۱. برخی از این سایت‌ها در آدرس زیر معرفی شده است:

<http://smallseotools.com/plagiarism-checker>

۲. برای آشنایی با عناوین برخی نرم افزارهای شناسایی دستبرد علمی رک: هاجر ستوده و دیگران، همان، ص ۴۳.

گذشته از این از برخی تهیه کنندگان مقالات و پایان نامه‌ها و رساله‌های دکتری نقل شده است: «پایان نامه را فصل به فصل تحویل می‌دهیم و تا استاد فصلی را تأیید نکند سراغ فصل بعد نمی‌رویم. موضوع انتخابی را هم با نرم‌افزار همانندجو چک می‌کنیم تا از تکراری نبودنش خیالتان راحت شود.»^۱

با این ترفند، نرم افزارها به جای آن ابزاری برای کشف تقلب باشند، به کمک متقلبان می‌شتابند.

در نتیجه نبود راه حلی که بتواند به جای توصیه و کیفر عملاً امکان تقلب را منتفی سازد، بر دامنه سایه نویسی افزوده و هر روز شاهد توسعه این دست مطالب هستیم.

راه‌حلهایی که به نظر می‌رسد عبارت اند از:

۱- ناشرانی که که با صرف هزینه تحقیقات را کنترل چند باره می‌کنند، تشویق و در رتبه بالاتری قرار گیرند و به جامعه علمی معرفی گردند. در مقابل، اگر ناشری با کوتاهی خود و صرفاً برای انتفاع مادی مطلبی را نشر داد، با عکس‌العمل از اخطار تا تعطیلی مواجه گردد.

۲- بین کتاب‌سازی و کتاب‌نویسی تفاوت گذاشته شده و مولفانی را که اندیشه‌های علمی خود را با زحمت در قالب نوشته‌ای عرضه می‌کنند با کسانی که صرفاً به کتاب‌سازی روی می‌آورند تفکیک گردند. به بیان دیگر، چنان که مجلات درجه بندی شده‌اند، ناشران و مولفان هم قابل درجه بندی اند.

هم اکنون آثار علمی قابل توجه در جشنواره‌های مختلف امتیاز به دست می‌آورند حال آن که مخاطبان گاه هیچ اطلاعی از آن نداشتند و فرقی بین کتاب‌ها نمی‌بینند این در حالی است که در برخی کشورها نویسندگان ملزم است علاوه بر شناخت کافی از مولف حتی از زنده یا فوت شدن وی در زمان تالیف آگاه باشد و در ارجاع دهی خود بدان اشاره کند.

۳- در نظر گرفتن توان دانشجو در استفاده از کتاب‌ها نیز کمک بسیاری به ارزیابی تحقیق می‌کند. برای مثال کتاب گرانسنگ «جواهر الکلام» از جمله کتاب‌هایی است که فهم آرای مولف آن نیاز به دقت و دانش حوزوی قابل توجه دارد و هر گاه دانشجویی که فقط نام کتاب را شنیده و به یقین توان استفاده از آن را ندارد در ارجاعات تحقیق خود بدان می‌پردازد به راحتی می‌توان از عدم انتساب متن به وی سخن گفت.^۲

۴- گرایش به کمیت به جای کیفیت، کتاب‌سازی را به جای کتاب‌نویسی در جامعه رواج می‌دهد. از سوی دیگر توسعه صنعت نشر و کسب درآمد با چاپ کتاب، ناشران را به چاپ

1- <https://www.tabnak.ir/fa/news/۸۸۴۷۵>

۲. هر چند برخی دانشجویان این دست ارجاعات را از متن حذف و به جای آن به منابعی ارجاع می‌دهند که به رغم غیر واقعی بودن، تردید را برای خواننده از بین می‌برد.

کتاب‌های وا می‌دارد که به رغم نداشتن محتوای علمی قابل توجه، مخاطبان فراوان دارد. مثلاً کتابی با عنوان «جن» گاه بیش از بیست بار چاپ می‌خورد در حالی که محتوای آن ارزش یک بار چاپ را هم ندارد. یا کتاب‌هایی در آستانه برخی امامزادگان به فروش می‌رود که بر اساس شنیده‌ها از اهالی محل به نگارش در آمده و حاوی مطالبی اند که خلاف شرع بودن آن و عدم امکان صدور آن از افراد عادی هم بعید است تا چه رسد به امامزاده ولی چون با خرید عوام همراه شده و موجبات کسب درآمد را فراهم می‌آورد، در تیراژ زیاد چاپ شده و به فروش می‌رسد.

کمیت گرایی به جای کیفیت گرایی در تهیه آثار علمی برای دیگران هم خود را نشان داده است که نیاز به توضیح بیشتر ندارد.

ج- رویکرد فقه در تهیه آثار علمی

از آن جا که مسئله فوق نویی‌دست و سابقه ای در آثار فقهی ندارد، طبعاً دستیابی به آرای فقهای گذشته در این خصوص ممکن نیست؛ علاوه بر این که برخی آثار فقهی و گاه روایی حاصل تلاش جمعی از پژوهشگران است که چون زیر نظر استاد مطرح و خبره حوزوی نگارش یافته، بعضاً بدون ذکر نام به نام یک نفر منتشر شده است که در آثار گذشتگان از چند جهت این رویکرد قابل توجیه است:

۱- از آن جا که تولید اثر علمی فاقد بهره مادی و گاه معنوی بوده، نویسندگان بدون هیچ چشم داشتی با اساتید آن زمان همکاری می‌کردند و از آن جا که استاد ناظر خود وزنه علمی کافی داشته، بهره گیری از حاصل تلاش دیگران به معنای امروزی هرگز مصداق پیدا نمی کرده است.^۱

۲- تواضع علمی گاه موجب می‌شد حتی نام پدید آور نیز ذکر نگردد و همین رویکرد حکایت از مسئله نبودن همکاری در نگارش اثر برای دیگران در گذشته حکایت دارد.^۲

۱- نمونه آن کتاب بحار الانوار است که زیر نظر علامه مجلسی و طبعاً با تلاش جمع قابل توجهی از اندیشمندان آن عصر پدید آمده است ولی علامه خود مولف آن به شمار می‌رود.

۲- اگر در آثار علمی بدون نام گفته شود گذر زمان موجب شده است که نسخه پردازان از نام نویسنده غفلت و موجبات فراموش شدن را فراهم آورند، نمونه عینی آن در دوران معاصر کتاب ارزشمند اقتصاددانان از شهید سید محمد باقر صدر است که برای بار اول بدون نام نویسنده به چاپ می‌رسد و علت آن تلاش شهید برای مطرح نشدن به شمار آمده است.

با وجود این، در شرایط فعلی که داشتن اثر، امتیاز قابل توجهی است و حتی خرید زحمات دیگران نمی تواند جای دانش منتسب به نویسنده را پر کند با استناد به عناوین فقهی زیر می توان از نامشروع بودن عمل یاد شده سخن گفت:

۱- حرمت تقلب: تهیه آثار علمی برای دیگران از مصادیق تقلب است که با تخلف از مقررات فرد در صدد دست یابی به موقعیتی است که چه بسا آن را حق می پندارد. این دستیابی را دو گونه می توان ارزیابی کرد: گاه دست یابی به مدرک همراه سلب حق دیگران است مانند آن که به سبب محدودیت در پذیرش دانشگاه فرد با معرفی خود به عنوان صاحب اثر علمی از امتیاز بیشتری برخوردار شده و با پذیرش وی فرد دیگری محروم می شود و گاه صرفاً با ارائه پژوهش مثل پایان نامه یا رساله صاحب مدرکی می شود که به ظاهر حقی را از کسی ضایع نمی کند.

در هر دو فرض یاد شده بحث استفاده از مدرک مطرح است که در فقه برخی گفته اند: «حرمت تقلب در امتحان، با حکم حقوق دریافتی در آینده رابطه ای ندارد»^۱. در این رای فقهی، حرمت تقلب امر تکلیفی به شمار آمده و اثری وضعی برای آن در نظر گرفته نشده است. نیز در فتوایی دیگر آمده است: «به نحو کلی تقلب حرام است و در هیچ موردی بکار بستن آن مشروع نیست و برای فرد مسلمان زینده نیست پستی را که اهلیت برای آن ندارد اشغال نماید و از این راه ضربه جبران ناپذیری بر پیکر اجتماع وارد کرده و خسران دارین را برای خود خریدار باشد»^۲. در این نظر نیز صرفاً بر حرمت تکلیفی تاکید شده و به جای ضمان ناشی از آن فقط از توصیه اخلاقی و پرهیز از تقلب سخن به میان آمده است.^۳

به نظر می رسد اگر با دقت بیشتر به مسئله توجه کنیم، همه مزایا و موقعیت ناشی از تقلب را باید علاوه بر حکم تکلیفی یعنی حرام بودن تقلب دارای حکم وضعی و جایز نبودن تصرف در درآمد و موقعیت ناشی از آن دانست.^۴

۱. محمد تقی بهجت، استفتاءات، ج ۳، ص ۲۳۵.

۲. سید محمد رضا گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۵، ص ۳۰۸.

۳. نیز ر.ک: حسینعلی منتظری، رساله استفتائات، ج ۲، ص ۳۳۵ - ۳۳۸ که صرفاً از حرمت تکلیفی سخن به میان آورده اند.

۴. برای اطلاع از گونه های توجیه برای فرار از قانون و خودحق پنداری ر. ک: اسماعیل آقابایانی بنی، راهکارهای گسترش فرهنگ قانون گرایی با تاکید بر نقش روحانیان، ص ۶۱ به بعد.

چنان که در یکی از فتاوا در جایی که دانش آموزی با تقلب مزایای را به دست آورد گفته‌اند: «شرعا نمی‌تواند از این مزایا استفاده کند»^۱. و اگر دست یابی به موقعیت باعث محرومیت دیگران از آن گردد آورده‌اند: «باید مطلب را بگویند و دیگری را از حش محروم نکند»^۲. نیز اگر موقعیت ناشی از تقلب به دریافت حقوق مادی بینجامد و به بیان دیگر، بین موقعیت و مزایا رابطه مستقیم برقرار گردد، دریافت آن دارای منع شرعی است.^۳ تا جایی که می‌توان گفت حتی اگر با رضایت نویسنده مطلب به نام دیگری انتشار یابد و باعث بالا رفتن موقعیت اجتماعی گردد به تعبیر برخی از فقها استفاده از نوشته دیگران خیانت است و «خیانت در علم و دانش، به مراتب بدتر از خیانت در مال است»^۴. به تعبیر دیگر، اگر خیانت در مال موجب ضرر فرد یا نهادی می‌شود، آثار ناشی از خیانت در علم به مراتب فراتر از آن است و اگر ضرر مادی در صورت کشف قابلیت جبران دارد، ضررهای ناشی از خیانت در علم و دانش غیر قابل جبران است و آثار آن صرفا در مزایا و حقوق فرد خلاصه نمی‌شود.

نکته قابل توجه دیگر آن که در یکی از فتاوا آمده است: «تقلب در امتحانات جایز نیست، خواه در اماکن مربوط به بیت المال باشد یا اماکن دیگر و خواه طرفی که از او می‌گیرد راضی باشد یا نه، ولی تقلب در انجام تکالیف، زیانش متوجه خود اوست و در صورتی که در نمره‌های امتحانی تأثیری نداشته باشد، حرام نیست، مگر این که بگویند خودم نوشته‌ام که از باب دروغ حرام می‌شود»^۵.

با تنقیح ملاک از این نظر فقهی می‌توان چنین برداشت کرد که هر چند نویسنده واقعی با رضایت کامل دانش خود را در اختیار دیگران قرار دهد، این رضایت فرد استفاده کننده را صاحب حق نمی‌کند ولی نکته قابل توجه آن است که اگر استفاده از تحقیق یا نوشته دیگران، تأثیری در موقعیت فرد نداشته باشد و صرفا ادای تکلیف قانونی یا سازمانی باشد، منعی ندارد مگر به دروغ بگویند آن را خود پدید آورده است که نه از باب القای مطلب دیگران به نام خود بلکه از باب سخن گفتن و دروغ حرام به شمار آمده است.

به نظر می‌رسد در این جا دروغ صرفا از نوع گفتار به شمار آمده است در حالی که می‌توان دروغ را اعم از سخن و عمل دانست و همین که فردی بدون رد یا اثبات در مقام سخن،

۱. محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، ص ۵۸۷.

۲. همان.

۳. بعد از استخدام، مشکلی از نظر کار و حقوق در کار نیست مگر اینکه حقوق را برای مدرک بدهند (محمد فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، ص: ۵۸۸).

۴. محمد فاضل لنکرانی، همان.

۵. ناصر مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، ج ۱، ص ۴۹۵ و ۴۹۶.

مطلبی را که متعلق به دیگران است به نام خود القا می‌کند، عملاً دروغ را ترویج می‌دهد که اگر تاثیر منفی آن از دروغ لفظی بیشتر نباشد کمتر نیست. به بیان دیگر، این یک بحث اخلاقی است و قبح اخلاقی عمل می‌تواند در حکم شرعی موثر باشد.

۲- حرمت همکاری در ارتکاب گناه: به استناد آیه شریفه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبُرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»^۱ در شرع مقدس اسلام از همکاری برای تحقق گناه منع شده است. اگر در گذشته، تهیه و نشر یک اثر علمی به خصوص آثار اسلامی با هدف ترویج دین و روشنایی بخشی به جامعه صورت می‌گرفته، امروزه در کنار نشر علم، اعتبار صاحب اثر اهمیت به سزایی یافته است تا جایی که برخی حاضرند برای چاپ یک کتاب یا مقاله به نام خود هزینه بسیار کنند و گاه برای آن‌ها مهم نیست که محتوای اثر حاوی چه مطالبی است. همین امر می‌تواند موجبات سوء استفاده از موقعیت را فراهم آورده و مصداق بارز گناه در فقه و ادبیات قرآن به شمار آید و بر همین اساس کسانی هم که زمینه این پدیده را فراهم آورده‌اند از باب کمک به گناه می‌توانند اخلاقاً و شرعاً مذموم به شمار آیند.

ممکن است گفته شود به استناد قاعده تسلیط و «الناس مسلطون علی اموالهم»^۲ هر کسی این اختیار را دارد که حاصل کار مشروع خود را در مقابل مبلغ خاصی یا بدون عوض در اختیار دیگران قرار دهد. در نتیجه از این که نویسنده اثر تمام حقوق مادی و معنوی آن را به دیگری واگذار کند منعی نیست. در نهایت هدف ترویج علم در جامعه است که نام نویسنده یا دیگری در رسیدن به هدف تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

به نظر می‌رسد با توجه به تغییر عرف و تبدل موضوع از اهمیت دانش به فرد صاحب دانش، امروزه نمی‌توان این استدلال را در توجیه نوشتن تحقیق برای دیگران به کار گرفت و گرچه تسلط بر نفس و مال می‌تواند به حکم اولی از آزادی انسان در به اختیار گذاشتن آثار علمی خود به دیگران حکایت کند، امروزه این امر موجب سوء استفاده از موقعیت و جایگاه خریداران آثار می‌گردد و در برخی استفتائات ارائه نوشته دیگران به نام خود از مصادیق بارز تقلب به شمار آمده است.^۳

۳- ممنوعیت اغفال دیگران: هنگامی که صاحب نوشته بی آن که زحمتی در پدید آوردن اثر علمی متحمل شده باشد، خود را صاحب اثر معرفی کرده و تحت حمایت قانون قرار می‌گیرد، به واقع زمینه اغفال کسانی را فراهم می‌آورد که به اعتبار اثر، صاحب نوشته را تکریم کرده و جایگاه علمی برای وی قائل می‌شوند. در جایی که فردی با کمک دیگران

۱. مائده، آیه ۲.

۲. ابن ابی جمهور احسانی، عوالی اللئالی العزیزیه، ج ۳، ص: ۲۰۸.

۳. حسینعلی منتظری، رساله استفتاءات، ج ۳، ص ۴۰۶.

رساله یا پایان نامه ای را به نام خود به دانشگاه ارائه می‌دهد و بر مبنای مدرک ناشی از آن کسب درآمد می‌کند، در واقع، فرد غیر ماهری است که خود را ماهر قلمداد کرده و در موجب ضمان بودن آن تردیدی نیست. حال اگر چنین فردی بر کرسی تدریس تکیه زند، مطالبی را به دیگران خواهد گفت که خود زحمتی در تهیه آن نداشته و چه بسا خطاهای بسیاری به نام درس در اختیار دانشجو قرار گیرد. یا کسی راهنمایی پایان نامه ای را به عهده گیرد که هرگز خود پایان نامه این نگاشته است. هر آن چه حاصل این اغفال باشد، در مذموم بودن آن از نظر اخلاق و فقه تردیدی نیست.

۴- منع اضرار به دیگران: اعتماد جامعه به دانش اندوختگان واقعی و سپردن سرنوشت مردم به آنان اهمیت به سزایی دارد و این مهم هرگز نباید به فراموشی سپرده شود. سهل گیری در تربیت پزشک و حقوق دان و مهندس و مانند آن، گاه جان و مال و آبروی انسان‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد و متولیان امر باید با اعطای مدرک، تخصص صاحب مدرک را تایید و اعتماد عمومی را سلب نکنند؛ امری که متأسفانه با ترویج آموزشگاه‌های انتفاعی و پرداخت پول برای تحصیل و تهیه مدرک در حال فراموش شدن است.

نیز افرادی که نوشته‌های دیگران را خریده و به نام خود ارائه می‌دهند، اعتبار دانشگاه یا موسسه مورد خدمت خود را نیز خدشه دار می‌کنند که به روشنی از مصادیق ضرر زدن به شمار می‌رود.

این مهم از نظر فقهی می‌تواند با قاعده منع ضرر به دیگران بیان گردد و به دنبال آن ضرر اجتماعی که گاه غیر قابل جبران است رخ می‌نماید.

د- رویکرد اخلاق

گرچه به لحاظ قانونی و فقهی به شرحی که گذشت گرایش بر منع تهیه آثار علمی بر دیگران است و قانون گذار با تدوین مقررات اخیر سعی کرده است تمام تلاش خود را برای مبارزه با این پدیده به کار گیرد، چند عامل به شرح زیر از نظر اخلاقی و فرهنگی اجرای قانون را با مشکل مواجه می‌سازد:

۱ - توجیهات اخلاقی

به رغم آن که قانون در صدد است با همه یکسان برخورد کند و در مقام اجرا حداکثری اجرا شده و مورد قبول همگان قرار گیرد، بسته به این که فرهنگ و اخلاق جامعه ارزش مورد حمایت قانون گذار را تا چه حد مهم می‌شمارد، نتایج به دست آمده از اجرای قانون فرق می‌کند. در علم حقوق با سه اصطلاح قانون گرایی، قانون گریزی و قانون ستیزی مواجهیم.

در نقض ارزش‌هایی که توده جامعه حساسیت دارد و نقض آن را بر نمی‌تابد، نظیر قتل و سرقت، برخورد قانون‌گذار هر چند شدید باشد با مقبولیت کافی مواجه می‌گردد ولی در جرایم دیگر، که جامعه از حساسیت کافی در نقض ارزش برخوردار نیست، برخوردها صرفاً قانونی و قضایی خواهد بود و پاسخ جامعه‌ی به نقض ارزش کمرنگ یا بیرنگ خواهد بود. از این رو گفته می‌شود قانون‌گریزی بر دو نوع است: قانون‌گریزی خشن که نقض قانون را توده جامعه بر نمی‌تابد و قانون‌گریزی نرم که ناقضان قانون از سوی مردم به حد کافی قابل سرزنش تلقی نمی‌شوند. و البته مرحله بالاتر، قانون‌ستیزی است که فرد با توجیه قانون، برای خود حق فرار از قانون قائل است.

در مسئله تهیه آثار علمی برای دیگران، برخی توجیهات و برداشت‌های اخلاقی به شرح زیر اگر نگوئیم قانون‌ستیزی، دست کم زمینه قانون‌گریزی نرم را پدید آورده و برخورد قانون‌گذار و همراهی توده مردم با آن را مشکل می‌سازد:

۱- برای مثال، دانشجویی برای کسب اعتبار علمی یا با توجه به شرایطی که برخی مجلات دارند و جز از اساتید مقاله چاپ نمی‌کنند از استاد خود خواهش می‌کند که اجازه دهد مقاله مشترک با نام استاد چاپ شود و او هم استثنائاً و برای کمک به دانشجو اجازه می‌دهد. در این جا اگر ایثار استاد و ریسک از بین رفتن اعتبار علمی نباشد، کار دانشجو به سر انجام نمی‌رسد.

۲- در فرض دیگر، فردی مطلبی علمی را می‌نویسد و از آن جا که فرد بی‌نام و نشانی است برای جذب مخاطب و خواننده شدن مطلب لازم می‌داند که نام فرد دیگری را که از شهرت کافی برخوردار است و در جست و جوی اینترنتی با نام او مقاله و نوشته‌ها را پی می‌گیرند، البته با اجازه استاد مطرح اضافه کند.

۳- یا این که شخص متدین و دارای جایگاه علمی، در موضوعی که تخصص ندارد چیزی را نوشته، فردی از روی دلسوزی و برای حفظ جایگاه علمی آن شخص که از قضا برای جامعه علمی ضرورت دارد، مقاله وی را اصلاح و به نام وی چاپ می‌کند.

۴- در بین اساتیدی که صاحب نظرند ولی اهل قلم و نوشتن نیستند بارها اتفاق می‌افتد که و چون خود اهل قلم نیست از شاگردان می‌خواهد مطالب را نوشته و به نام خود یا هر کس دیگر چاپ کنند. به بیان دیگر، نشر نوشته استاد را خوشحال می‌کند و گاه به دلیل برخی پیامدها در برخی اظهار نظرها حتی از درج اسم خود در کنار نام نویسنده منع می‌کند.

۵- چنان که گاه مطلبی علمی با مخالفت جدی در جامعه همراه است و نویسنده اصلاً نمی‌خواهد نامش فاش شود. در این جا خود آن را بی‌نام چاپ می‌کند و اگر پس از نشر کسی با

سرقت علمی به چاپ مجدد آن اقدام می‌کند و نویسنده واقعی به آرزوی خود که در خفا ماندن است می‌رسد.

۶- نیاز به امتیاز در کسب رتبه‌های دانشگاهی اقتضا می‌کند که هر فردی برای کسب امتیاز بیشتر نام افراد دیگر را به مقاله خود اضافه کند تا در مقابل، آنان هم از نام وی در نوشته خود استفاده کنند و به علت تعدد مقاله ظاهری امتیاز بیشتری کسب کنند در نهایت برای رعایت صوری قانون، اندک مباحثه ای با هم می‌کنند تا ادعا کنند مقاله حاصل کار چند نفر است. مقاله نویسی برای دیگران اتفاق افتاده ولی به ظاهر امر معمولی است.

۷- نشریات در چاپ مقاله سختگیری می‌کنند و فردی برای چاپ مقاله مجبور می‌شود نام یکی از اعضای هیات تحریریه را اضافه کند. اجبار معنوی برای ارتکاب جرم مصداق پیدا می‌کند و آیا با توجه به کم‌رنگ شدن اراده می‌توان گفت مسئولیت وی کم می‌شود.

این دست برداشتها در جامعه و موارد خاص که با توجیه کافی برای قانون‌گریزی همراه است،^۱ در پدیده تولید آثار علمی برای دیگران و قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی به جای قانون‌گرایی نقش به‌سزایی دارد. به بیان دیگر، در قانون‌گریزی سخت، چون جامعه متوجه آثار زیان بار آن در لحظه ارتکاب جرم است، برخوردهای اجتماعی و قانونی هم به موقع صورت می‌گیرد در حالی که در قانون‌گریزی نرم، چنین نیست و در این جاست که کار فرهنگی و تلاش برای ارتقای فرهنگ قانون‌گرایی در جامعه می‌تولند نقش به‌سزا و بی‌بدیلی را ایفا کند تا کم‌کم قانون‌شکنی به رفتار عادی و فرهنگ عمومی جامعه تبدیل نشود.^۲

با این حال اگر برای موارد خاص قانون‌گذار بخواهد راه‌گریزی بگذارد و آن را به صورت تبصره و استثنا بیان کند دچار شیب لغزنده شده و قابل کنترل نخواهد بود و اگر بیان نکند، به جای اجازه به نشر علم که بر اساس نتیجه‌گرایی توجیه اخلاقی هم دارد، مانع ترویج علم

۱. می‌توان گفت در مقام نظر همه خود را مطیع قانون می‌دانند ولی باور نداشتن به قانون‌گرایی یا وجود منافع شخصی و مسائلی از این دست موجب می‌شود فرد در کردار، قانون را مطیع خود گرداند. برخی با اشاره به نکته یاد شده آورده‌اند: «برخی به قوانین مفید به حال خود استناد می‌کنند و قوانینی را که غیر مفید به حال خود تشخیص می‌دهند سعی می‌کنند تا با مداخله در نحوه تفسیر یا اجرا مقررات را در استخدام خود درآورند» (فرهاد پروین، «قانون‌گریزی نقض متقابل حقوق شهروندی»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۲، ص ۱۷۶).

۲. به نظر می‌رسد توصیه دین اسلام به امر به معروف و نهی از منکر و در گیر کردن افراد عادی جامعه با مسائل آن، خود راه حل مناسبی است برای آن که انجام خلاف در جامعه عادی جلوه نکند و به فرهنگ تبدیل نشود و فاصله گرفتن از این توصیه دینی هم زمینه قانون‌شکنی به شکل نرم را در جامعه به وجود آورده و موجب توسعه این دست تخلفات می‌گردد. مسئله‌ای که به تفصیل لازم است در جای خود بررسی شده و راهکارهای منطقی برای اجرایی شدن این دستور اسلامی در نظر گرفته شود.

یا کیفر کسانی می‌شود که در ارتکاب عمل تهیه آثار علمی برای دیگران فاقد عنصر معنوی اند و جای این سوال را باقی می‌گذارد که وقتی شرایط اجتماعی فرد را به سمت تهیه آثار علمی برای دیگران سوق می‌دهد، آیا می‌توان گفت وی از اراده و رضایت کافی در ارتکاب جرم بر خوردار و قابل کیفر است؟ آیا این شرایط با توجه به نتیجه از قبح فعل نمی‌کاهد و توجیه اخلاقی را با آن همراه نمی‌سازد؟

در پاسخ می‌توان گفت اجرای قانون معمولاً با کلفت و سختی است و صرف توجیه موقعیت یا مقایسه خود با دیگران، نمی‌تواند فرد را به فرار از قانون رهنمون سازد چنان که وقتی اصل فعل از نظر اخلاقی مذموم باشد، نتایج هر چند به ظاهر پسندیده نباید عاملی برای توجیه و فرار از دستور اخلاقی قلمداد گردد. جز در موارد اضطرار که با شرایط خاص مذکور در فقه و از باب اهم و مهم می‌توان بر اساس نتایج و نفع جامعه و نه فرد، امری را بر امر دیگر ترجیح داد که در جای خود بحث شده است.

۲ - توجیهات فرهنگی

به رغم مخالف اخلاق و فقه و قانون، گاه زمینه‌های فرهنگی حاکم بر جامعه نیز زمینه قانون‌گریزی و بی‌اعتنایی به اخلاق را پدید می‌آورد که در میان دانشجویان خریدار حاصل پژوهش دیگران نیز مواردی از این دست را می‌توان یافت نظیر:

۱- انکار مسئولیت شخصی با به کار بردن عباراتی نظیر: «من چاره‌ای نداشتم»، «باید به زندگی‌ام برسیم»، «هزارتا بدبختی دارم».

۲- سرزنش کردن مسئولان با تعبیر به این که «تنها راهی است که سیستم جلوی پای ما گذاشته».

۳- انکار قانون شکنی مانند آن که گفته می‌شود: «کاری که همه می‌کنند که دیگر قانون ندارد». «رسم است که انعام بدهی یا بگیری قتل که نکردم».

۴- مهم تر دانستن بازدهی مثبت رفتار در مقایسه با تخلف انجام شده مانند آن که اظهار می‌گردد: «بالاخره حق من بوده که این کار انجام شود. حالا با انعام کمی جلو افتاده است. دیگران هم هر قدر پول بدهند آش می‌خورند»^۱.

بر این اساس، یافته‌های برخی تحقیقات که قانون‌گریزی با میزان تحصیلات رابطه معکوس دارد در پدیده خرید پایان نامه و رساله باید به گونه دیگری تحلیل گردد^۲ و بر این

۱. ر.ک: «قانون‌گریزی، علل و عوامل»، مجله وکالت، فروردین ۱۳۸۰، شماره ۵، ص ۳۵.

۲. چنان که برخی نوشته‌اند: «بین قانون‌گریزی و ویژگی‌های شخصیتی مثل میزان سواد افراد رابطه معناداری وجود دارد. به طوری که با افزایش سطح تحصیلات افراد گرایش به قانون‌گرایی و قانون‌پذیری نیز بیشتر می‌شود. ب ه

باور بود که هم از نظر اخلاقی به علت فراگیر شدن تهیه آثار علمی برای دیگران قبح عمل از بین رفته است، هم انتشار اخباری از تخلف کسانی که انتظار تخلف از آنان نمی رود دیگران را متجری کرده است و هم از سوی سوم، شرایط ارتقا و امتیازهایی که برای تهیه مقله در نظر گرفته شده موجب قانون گریزی و نادیده گرفتن اخلاق می گردد از این رو برخی برای مبارزه با این پدیده پیشنهادهای زیر را مطرح کرده اند:

۱- «آشنا کردن دانشجویان با انواع دستبرد علمی و دامنه مجازاتهای آن از طریق سخنرانی‌ها یا راهنماهای دانشگاهی

۲- فراهم آوری دسترسی استادان به ابزارهای کشف دستبرد علمی

۳- یادآوری دوره‌ای به استادان برای گزارش دستبرد علمی یا دیگر تخلفات دانشجویان

۴- ارائه موضوعات جدید به دانشجویان برای مقاله‌ها و پروژه‌های هر نیم سال تحصیلی»^۱ نیز بر موارد یادشده می‌توان اضافه کرد:

۱- به جای برخورد کیفی که به شرح پیش گفته با مشکل کشف جرم همراه است، از برخوردهای انضباطی مثل تنزل موقعیت اجتماعی استفاده گردد و برای کسانی که در کشف این گونه تخلفات همکاری می‌کنند امتیازهایی در نظر گرفته شود.

۲- دانشگاه‌ها و مراکز علمی با مقررات یکسان با این دست پدیده‌ها برخورد کنند و اطلاعات حقوقی کافی در اختیار مخاطبان دانشگاهی قرار گیرد.

۳- از سختگیری‌های در ترفیع اعضای هیات علمی پرهیز گردد. مثلاً کسب چهل امتیاز از مقاله علمی پژوهشی برای ارتقا به دانشیاری خود عاملی است برای مقاله‌سازی به جای مقاله نویسی.

۴- به جای توجه به مسائل روز مراکز علمی به آینده و خطرهایی که از پدیده ناسالم به ظاهر تولید علم ناشی می‌شود توجه کنند و منافع شخصی و آنی خود را بر منافع جمع و موقعیت آتی کشور ترجیح ندهند.

همین دلیل می‌توان انتظار داشت هر چه بر اطلاعات، دانش و تحصیلات افراد در جامعه افزوده شود قوانین و مقررات از اقبال و پذیرش عمومی بیش‌تری برخوردار می‌شوند» (رضا علی محسنی، «تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راه کارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی»، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱۷، بهار ۱۳۹۱، ص ۱۰۳-۱۰۴).

۱- برای اطلاع از نمونه کیفرها ر.ک: هاجر ستوده و دیگران، همان، ص ۴۲.

۵- از اشتباهات گذشته پند گرفته و برخورد با اشتباهات فعلی را به گونه ای به انجام رسانند که باعث پند متخلفان گردد.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب مطرح شده می توان مهمترین نتایج نوشته حاضر را چنین بر شمرد:

۱- به رغم آن که حمایت از حق معنوی از سال ها پیش به رسمیت شناخته شده و آرای فقهی نیز با گذشت زمان با آن همراهی می کنند تا جایی که سرقت علمی امروزه از نظر فقهی، حقوقی و اخلاقی مذموم به شمار می رود در خصوص تهیه آثار علمی برای دیگران، در اول راه قرار داریم و گاه توجیهاات فقهی و اخلاقی در کنار فرهنگ غلطی که در جامعه شکل گرفته است به اضافه شرایط اقتصادی و مشکلات اجتماعی که افرادی را به سمت این پدید نامبارک سوق می دهد، شایسته است هم قانون گذار به رفع نواقص قانونی اقدام کند و هم افراد دخیل در تولید علم، همکاری لازم را در مبارزه با این پدیده داشته باشند و نتیجه را تنها از قانون گذار و دستگاه قضایی مطالبه نکرد.

۲- گرچه هر انسانی بر سرنوشت و حاصل کار خود سلطه دارد و می تواند آن را در مقابل عوض یا به صورت رایگان در اختیار دیگران قرار دهد در آثار علمی این مطلب قابل قبول نیست و تهیه آثار علمی برای دیگران از مصادیق تقلب، همکاری در ارتکاب گناه، اغفال و اضرار به جامعه است که همگی بر ناروا بودن و حرمت تکلیفی آن می تواند دلالت کند و علاوه بر آن آثار وضعی یعنی موقعیت اجتماعی و امتیازهای حاصل از دسترنج دیگران را از مصادیق غصب و غیر قابل تصرف به شمار آورد.

۳- در خصوص تهیه آثار علمی برای دیگران تا زمانی که قبح اجتماعی آن از نظر اخلاقی تبیین نگشته و فرهنگ سازی کافی صورت نگیرد، با قانون شکنی نرم و گاه قانون ستیزی مواجهیم از این رو برای موفقیت قانون گذار در دستیابی به اهداف خود، بهره گیری از اخلاق و فرهنگ سازی نباید به فراموشی سپرده شود.

منابع

احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی العزیزیه، ۴ جلد، قم: دار سید الشهداء للنشر، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.

آقابابائی بنی، اسماعیل، راهکارهای گسترش فرهنگ قانون گرایی با تاکید بر نقش روحانیان، قم، دفتر عقل، چاپ اول: ۱۳۹۷.

بهجت، محمد تقی، استفتاءات، ۴ جلد، قم، دفتر حضرت آیه الله بهجت، چاپ اول، ۱۴۲۸ ق.
پروین، فرهاد، «قانون گریزی نقض متقابل حقوق شهروندی»، مجله پژوهش های اجتماعی اسلامی،

تابستان ۱۳۹۲، شماره ۲.

سبحانی، جعفر، «نقش زمان و مکان در استنباط»، فقه اهل بیت، شماره ۴۳. سهیلا داروئیان و مهدی فقیهی، بررسی انگیزه‌ها و علل انجام سرقت علمی در ایران، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰.

«قانون گریزی، علل و عوامل»، مجله وکالت، فروردین ۱۳۸۰، شماره ۵. محسنی، رضا علی، «تحلیل جامعه شناختی قانون گریزی و راه کارهایی برای قانون گرابی و نظم عمومی»، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال پنجم، شماره اول، پیاپی ۱۷، بهار ۱۳۹۱.

مکارم شیرازی، ناصر، استفتاءات جدید، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق

منتظری، حسین علی، رساله استفتاءات، ۳ جلد، قم، بی نا، چاپ اول، بی تا. موحدی لنگرانی، محمد فاضل، جامع المسائل، دو جلد، قم، انتشارات امیر قلم، چاپ یازدهم، بی تا. موسوی خمینی، سید روح الله، استفتاءات، ۳ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۲۲ق.

موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، مجمع المسائل، ۵ جلد، قم، دار القرآن الکریم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.

هاجر ستوده، نجمه رفیع و زهرا میرزایی «نگاهی به دستبرد علمی و راهکارهای پیشگیری و پیگیری آن»، کتابداری و اطلاع رسانی، ج ۱۳ شماره ۴

<http://profs-against-plagiarism.blogspot.com>

<https://www.tabnak.ir/fa/news/۸۸۴۱۵۰>

<http://smallseotools.com/plagiarism-checker>

<https://easypapers.ir/tag>